

متن پیاده شده وینار دکتر مسائلی با موضوع مقابله با کار کودک

ملکی: در بحث کودکان کار و چرایی و علل و اقداماتی که میشود در این حوزه ارائه داد صحبت خواهد شد و در نهایت به همفکری خواهیم داشت تا در کنار همدیگر تجربیات را انتقال بدهیم و در این حوزه گامی موثر و مفید برداریم .

دکتر مسائلی:

بحث کودکان کار را بنده از سال ۸۶ شروع کردم که در آن زمان شاید کمتر کسی در این حوزه ورود پیدا می کرد و سازمان های متولی این امر از جمله بهزیستی نفی می کردند که اصلا کودک کاری وجود دارد و ما از سال ۸۶ تا ۹۳ به صورت داوطلبانه در مراکز مختلف از پارک ها گرفته تا مساجد، حسینیه ها و رستوران ها و کافی شاپ ها و جاهای مختلفی به بچه های کار خدمات ارائه می دادیم که بیشتر محور بحث های آموزشی بود.

در سال ۹۳ تصمیم گرفتیم که سازمان مردم نهاد تخصصی در این زمینه ثبت کنیم که با همت دوستان در این حوزه ورود پیدا کردیم و از سال ۹۴ فعالیت را شروع کردیم با مجوز، ابتدای امر یکی از معضلاتی که در پیش داشتیم این بود که خیلی از بچه های کار سخت اعتماد می کردند و به همین دلیل ما سعی کردیم با تعداد محدودی از بچه های کار فعالیتمان را شروع کنیم و خدمات با کیفیت به این بچه ها ارائه بدهیم تا خود این بچه ها مبلغ خوبی باشند برای ما و کودکان دیگری را جذب انجمن کنیم و این باعث شد که با ۳۰ کودک در ابتدای امر شروع کردیم تا الان حدودا ۸۵۰ کودک کار شناسایی کردیم در اصفهان که حدودا ۲۰۰ تا از این بچه ها را حمایت ویژه می کنیم.

نحوه شناسایی ما در خیابان به صورت میدانی هست. به خانه های بچه ها رفته و فرم های مدد کاری داریم که کاملا اطلاعات بچه ها را شناسایی می کنیم و سپس الویت بندی کرده و نیاز بچه ها را برحسب اولویت، خدماتی در بحث های آموزشی و کلاسهای سواد آموزی، تقویت تحصیلی کلاسهای فوق برنامه، در بحث های درمانی، پزشکی، دندان پزشکی و در بحث های فرهنگی و ورزشی، رویدادهای مختلفی داشته و داریم.

در بحث های سلامت روان مشاوره فردی و گروهی برای بچه ها و خانواده هاشون داریم و در بحث کار آفرینی و اشتغال برای والدین شان بحث معرفی شغل و حرفه آموزی برای این قشر را داریم و در نهایت هدف ما این است که بچه های کار در کنار کار کردن کودکی هم داشته باشند و احساس کمبود کمتری کنند و بدانند که در کنارشان تعدادی مددکار و جوانان هستند که دغدغه آنها را دارند و در کنارشان به عنوان یک دوست حضور دارند.

در اصفهان وقتی بحث شناسایی را انجام دادیم متوجه شدیم که اکثر این کودکان از اتباع هستند، یعنی چیزی در حدود بین ۸۰ تا ۹۰ درصد، تعدادی از بچه های کار در خیابان دستفروشی می کنند یا ضایعات جمع آوری می کنند و خیلی از این بچه ها به خاطر مشکلات اقتصادی مجبورند کار کنند.

مشکلات اقتصادی یا به دلیل نبود سرپرست مناسب و یا نداشتن پدر و یا از کار افتاده بودن پدر می باشد و یا پدر توجهی به خانواده ندارد و این باعث شده که خانواده را کاملا رها کند و خانواده خودشان به سمت کسب درآمد بروند.

شاید این قشر از بچه هایی که مجبورند کار کنند، چیزی در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از قشر کودکانی که ما شناسایی کردیم و مابقی بچه ها به خاطر یا فقر فرهنگی بود یا به خاطر مسائل دیگر از جمله اینکه این بچه ها در فرهنگشان این مرسوم هست که باید از سنین پایین کار کنند.

یکی از اقدامات موثری که انجام دادیم، گروهی از بچه ها که ضایعات جمع می کردند را در کنار هم بعنوان گروه کتابخوان قرار دادیم و پس از چند ماه بچه ها توانستند رتبه برگزیده رشته کتابخوانی را در سطح کشور کسب کنند و این یک افتخار ویژه ای برای بچه ها بود و اینکه بچه ها می توانند موثر واقع شده و دیده شوند. خیلی از استعداد های این بچه ها شناسایی نمیشود. در این حوزه سعی کردیم با استفاده از تیم های استعداد یابی، استعداد و علاقمندی بچه ها را شناسایی کرده و آنها را سوق دهیم به سمت حرفه هایی که علاقمند هستند و این حرفه ممکن هست که درس خواندن باشد و یا یک شغل ساختمانی و یا یک حرفه دیگر. البته ما هیچ کودکی را که زیر سن ۱۵ سال هست به سمت شغل سوق نمیدهیم چون این بر خلاف قانون بوده و هدف تنها آموزش و کسب مهارت است.

در بحث کودکان کار از سال ۵۹ اتفاقاتی خوبی رقم خورد از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود که اساس نامه اش در سال ۵۹ مصوب شد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که سال ۸۱ مصوب شد. آیین نامه سامان دهی کودکان خیابانی که در سال ۱۳۸۴ مصوب شد. کنوانسیون حق کودک که در سال ۱۳۸۶ مصوب شد و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست که در سال ۹۲ مصوب شد و سال گذشته هم قانون بسیار خوب و جامعی تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب شد و امسال هم آیین نامه اجرایی ماده ۶ این قانون ابلاغ شد به دستگاههای اجرایی و ما چیزی از نظر قانون و آیین نامه کم و کسر نداریم و آنچه که کم و کسر هست متأسفانه همت دستگاه های اجرایی در این حوزه است.

خیلی از مواقع سوال پیش میاد که چه کنیم که کودک کاری در سطح شهر نباشد، چه کودک ضایعات جمع کن، چه کودکی که دست فروشی می کند؟ دوستان اگر دستگاههای اجرایی به وظایفشان درست عمل می کردند، ما هیچ کودک کاری در سطح شهر

نمی دیدیم. الان وضعیت تهران جوری شده که دیگر نمیشود با این آسیب اجتماعی مقابله کرد و اگر بخواهند مقابله کنند هزینه های بسیار زیادی را باید پردازند دستگاه های اجرایی و متولی این امر ولی باز هم شاید دیر باشد.

آنچه که حائز اهمیت است اینکه ما باید از کودکان کار حمایت کنیم، چون اگر یک کودک از سن پایین آسیب های زیادی ببیند که قطعاً کودکی که در خیابان دستفروشی میکند یا ضایعات جمع میکند، آسیب های خیلی زیادی به او وارد میشود. آسیب های این کودک عبارت است از: بی توجهی، اهانت، بد رفتاری، آشنایی با مواد مخدر، در سن پایین آشنا شدن با بسیاری از ناهنجاری ها. اگر این کودکان حمایت نشوند، وقتی این کودک بزرگ شود تبدیل میشود به یک آسیب بسیار بزرگتر و شبیه یک نارنجک میشود که هر لحظه ممکن هست منفجر شود. خیلی از اقدامات تروریستی که انجام می شود، خیلی از بزهکاری های که صورت می گیرد و خیلی از اشخاصی که عاملان توزیع مواد مخدر هستند و یا حتی خیلی از کسانی که به داعش می پیوندند، اینها اشخاصی بودند که کودکی خوبی نداشتند و به خاطر همین است که به حوزه کودکان کار و به کارکردن یک کودک به عنوان یک آسیب اجتماعی نگاه می کنیم. اگر به عنوان یک آسیب اجتماعی نگاه بکنیم به این موضوع، قطعاً راه حل آن متفاوت و نگاه ما متفاوت تر هست.

برای بحث کودکان کار، باید در تمام فرایندی که اقدام می کنیم حتماً کاری با پژوهش و سنجیده شده صورت بگیرد. از نحوه شناسایی بچه های کار، جمع آوری، سامان دهی و پذیرش، توانمند سازی و از برخورد قضایی با این کودکان، باید برای هر کدام از این موارد برنامه داشته باشیم و باید کار سنجیده انجام دهیم. متأسفانه در شهرهای مختلف می بینم که دستگاه های مثل شهرداری تصمیمات خلق الساعه می گیرند که بچه های کار را جمع آوری کنند به صورت ضربتی و این نتیجه ش تهیه محتوا برای رسانه ها در خارج از ایران میشود و بچه ها را جمع آوری می کنند و هیچ برنامه ای برایشان ندارند و دوباره این بچه بر میگردد به کارکردن و عملاً اقدام بیهوده ای صورت می گیرد.

اما چه باید کرد؟

در بحث کودکان کار، باید چهار اقدام بدهیم: یکی بحث فرهنگ سازی و یکی بحث شناسایی و سامان دهی و دیگری بحث حمایت و توانمند سازی و یکی هم برخورد قضایی می باشد. آنچه که ما پیشنهاد می کنیم این هست که از ابتدای امر باید فرهنگ سازی صورت بگیرد برای مردم شهر که یاد بگیرند با کودکان کار چطور رفتار کنند و فرهنگ سازی باید صورت بگیرد که مردم یاد بگیرند که کودک کاری را در خیابان دیدند به آن بی اعتنا نباشند و توهین نکنند و فکر نکنند که فرشته نجاتش هستند و می توانم تمام زندگی آن کودک را عوض کنم و از آن کودک خرید نکنم و با آن کودک مثل یک فروشنده رفتار کنم.

اینکه می گویند از کودک خرید نشود به این دلیل هست که عملا اگر خرید از این کودک صورت گیرد، شما نمی دانید که آن کودک آیا واقعا نیازمند هست یا تحت استثمار خانواده یا شخص دیگری قرار گرفته است. به همین خاطر کمک کردن به کودک، عملا کمک کردن به آن کودک نیست و باعث می شود تعداد کودکان کار روز به روز افزایش پیدا کند و باعث می شود که خانواده آن کودک او را بیشتر بفرستند سمت کار کردن. بنابراین فرهنگ سازی برای مردم صورت گیرد.

چطور فرهنگ سازی باید صورت گیرد؟ علاوه بر مردم باید فرهنگ سازی برای خانواده های این کودکان هم صورت گیرد.

خانواده این کودکان اکثرا زیر نظر اداره اتباع هستند، اداره اتباع متاسفانه در این چند سال بسیار کم کاری کرده و هیچ گونه برنامه فرهنگی برای این موضوع برای این قشر تدارک ندیده، بنابراین باید حتما برای این خانواده هم فرهنگ سازی صورت گیرد که اولاً بدانند آن خانواده که فرستادن کودک به سمت دستفروشی یا ضایعات جمع کردن کار خلاف قانون هست و دوم بدانند که اگر کودک رفت سمت کار کردن چه آسیب های فراوانی ممکن هست به این کودک در آینده وارد شود. بنابراین فرهنگ سازی هم باید برای مردم صورت گیرد و هم برای قشر خانواده بچه کار.

در این حوزه قوانین بسیار خوبی داریم از جمله ماده ۶ آیین نامه سامان دهی کودکان خیابان مصوب سال ۸۴ که صدا و سیما را موظف کرده که برنامه ها و تیزر های مختلف برای این موضوع تدارک ببینند. علاوه بر این دستگاه دیگری مثل شهرداری طبق ماده ۳۷ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از اطفال و نوجوان مصوب شده که تبلیغات محیطی و شهری جهت این کودکان صورت بگیرد. آموزش و پرورش موظف هست طبق آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی ماده ۶ که حتما برای اولیای دانش آموزان و برای دانش آموزان برنامه ریزی کند و برنامه فرهنگی در نظر بگیرد. علاوه بر این اداره کار و رفاه اجتماعی باید حتما در این حوزه ورود پیدا کند مثلا برای اماکنی که بچه های در آنجا کار می کنند باید فرهنگ سازی صورت گیرد. در قانون به چهار دستگاه موضوع فرهنگ سازی ابلاغ شده که اداره ارشاد و آموزش پرورش و صدا و سیما و اداره کار و رفاه اجتماعی می باشند یعنی اگر این چهار دستگاه از سال ۸۴ که آیین نامه ابلاغ شده به وظایفشان درست عمل کرده بودند مردم با این معضل آشنا بودند و خانواده بچه های کار آشنا بودند، دانش آموزان آشنا بودند و نیازی نبود که اینقدر خیریه و انجمن و قرارگاه در این زمینه وقت گذاری کنند و با این آسیب اجتماعی مقابله شود.

یکی از انتقادات در حاضر نحوه شناسایی و جمع آوری و پذیرش کودکان کار هست. آنچه الان اتفاق می افتد این است که بچه های کار را در خیابان مامورین شهرداری جمع آوری میکنند و اینها را می برند در شهرداری و تماس می گیرند با خانواده هایشان و می آیند یک تعهد از خانواده میگیرند و کودک را تحویل خانواده میدهند و کودک دوباره بر میگردد به چرخه کسب و کار و عملا یک

بچه کار چندین بار توسط مامورین شهرداری گرفته میشود. بنابراین هیچ گونه اقدام مناسب و سنجیده و چهارچوب داری در این حوزه صورت نمیگیرد. پس چه باید کرد برای بحث جمع آوری و پذیرش بچه های کار؟

پس از اینکه فرهنگ سازی برای بحث کودکان کار انجام دادیم یعنی اگر چند ماه تمام دستگاه های اجرایی متولی کودکان کار، بحث فرهنگ سازی را انجام دهند پس از آن نوبت به این میرسد که بیایم در سطح شهر بچه های کار را به صورت منطقه به منطقه شناسایی و پذیرش کنیم و طبق قانون ماده ۵ آیین نامه حمایت از کودکان و نوجوانان، عنوان میشود که شهرداری موظف است بچه های کار را جمع آوری کند و این بچه ها را باید تحویل مراکز بهزیستی دهد. مراکز بهزیستی موظف هستند طبق قانون، مدد کاران اجتماعی را بفرستند به سمت خانواده های بچه های کار و بررسی کنند که آیا خانواده مجبور هست بچه را به کار بفرستد یا نه و تشخیص بدهد که آیا خانواده نیازمند هست یا نیازمند نیست؟ اگر خانواده نیازمند باشد باید کودک معرفی شود به نهادهای حمایتی، نهادهای حمایتی یکی انجمن ها و موسسات زیر نظر بهزیستی و دیگری کمیته امداد و ستاد اجرایی فرمان امام و سازمان های مردم نهاد دیگر هستند. این مراکز موظف هستند از کودکان کار حمایت کنند و در کنار آن دستگاه هایی مثل اداره بهداشت و علوم پزشکی موظف هست که این بچه ها را از نظر درمان حمایت کند و آموزش پرورش موظف هست که آموزش رایگان دهد و در مدارس این بچه ها را رایگان ثبت نام کنند.

آن دسته از کودکانی که خانواده شان نیازمند نیستند و پدر و مادر از کودک بهره کشی اقتصادی می کنند، این خانواده ها باید معرفی شوند به نهادهای قضایی و برخورد قضایی صورت گیرد. نهاد قضایی یا دادگستری و دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان که در دادگستری ایجاد شده، باید ورود پیدا کند و مقابله کند با این خانواده ها. ماده ۷، ۱۱ و ۱۵ آیین نامه قانون حمایت از کودک و نوجوان می گوید که اینگونه والدین باید علاوه بر مجازات هایی که در قانون هست، مجازات حبس درجه ۶ قانون مجازات اسلامی محکوم شوند یعنی اگر با این خانواده ها برخورد قانونی شود، اطمینان داشته باشید که دیگر خانواده بچه هایشان را به سمت کار کردن نمی فرستند. متأسفانه می بینیم که الان اگر که بخواهند برخورد قضایی کنند، پدر خانواده را میفرستند افغانستان و هفته دیگر آن پدر بر میگردد ایران و یک سفر سیاحتی برای آن خانواده تدارک می بینند!!! در حالیکه باید اگر بخواهند خانواده ای را بفرستند کشور مبدأ باید کل خانواده را بفرستند یعنی پدر و مادر و فرزندان. اگر فقط پدر را بفرستند، مادر و فرزندان با کلی آسیب رو به رو خواهند شد. بنابر این اگر با چند خانواده برخورد قضایی درست صورت گیرد، آن وقت دیگر شاهد این نخواهیم بود که خانواده ها بخواهند برای بهره کشی اقتصادی، بچه را مجبور کنند به کار کردن.

درباره پیشنهاد بحث کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای کودکان کار یا خانواده هایشان:

طبق قانون حق نداریم برای یک کودک شرایط اشتغال ایجاد کنیم یا اینکه کودک را سوق دهیم به سمت کار کردن. این کار خلاف قانون هست و اگر کسی این کار را انجام داد با آن برخورد قانونی و قضایی ممکن هست صورت بگیرد. بنابر این تنها راه حل این است که برای خانواده های این کودکان بستر اشتغال ایجاد شود و یا شغل معرفی شود ولی تا زمانی که بچه های کار در سطح شهر، درآمد های بسیار بالا دارند، قطعا خانواده ها در این حوزه وارد نمیشوند و اگر شما وارد این حوزه شدید قطعا به شکست خواهید خورد. بنابراین به همین خاطر هست که می گویم اول باید فرهنگ سازی برای مردم صورت بگیرد و دوم باید این خانواده ها کاملا شناسایی شوند و معرفی شوند به نهادهای حمایتی و نهاد قضایی و بعد از آن باید این خانواده ها حمایت های کار و اشتغالی صورت بگیرد چون در غیر این صورت اینجور اقدامات به نتیجه نخواهد رسید.

یک نکته: طبق ماده ۲۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هر یک از مسئولان یا کارکنان نهاد های حکومتی یا دستگاه های اجرایی که از انجام وظایف مقرر در حوزه کودکان کار امتناع کنند، به انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه ۵ قانون مجازات اسلامی محکوم میشوند. شما نگاه کنید که در کشور تا حالا آیا شده که مسئولی به خاطر کم کاری در حوزه کودکان کار، انفصال از خدمت برایش صورت گیرد؟! وقتی که با هیچ کم کاری برخورد نمی کنیم و از هیچ مسئولی برنامه نمیخواهیم و یا هیچ گونه رصد و نظارتی بر عملکرد مسئولین در ۱۳ دستگاه اجرایی که متولی کودکان کار هستند، نداریم نتیجه این میشود که کودکان کار روز به روز افزایش پیدا میکنند.

یکی از دوستان عنوان کردند که آیا از همه ارگان ها مطالبه گری می کنید؟

ما از تمامی دستگاههایی که در این حوزه هستند مطالبه گری کردیم و متولی اصلی این موضوع استانداری هست، دفتر امور اجتماعی باید کار گروه استانی کودکان کار شکل بدهد و متاسفانه هیچ کار گروهی تحت این عنوان شکل نگرفت. وقتی کار گروهی شکل نمی گیرد قطعا مدیران دستگاه ها در این گروه شرکت نکردند و هیچ گونه مطالبه گری از این دستگاه های اجرایی صورت نمی گیرد. تنها نهادی که در اصفهان با ما همکاری کرد بهزیستی و شهرداری بود که آن هم حمایت کامل نبود.